

ایران باستان در تاریخ نگاره اندیشمندان غربی

• دکتر محمد تقی ایمان پور
عضو هیأت علمی گروه تاریخ دانشگاه فردوسی مشهد

با پیروزی کوروش بزرگ بر آخرین پادشاه ماد در سال ۵۵۹ پ.م و شکل‌گیری امپراتوری پارسیان توسط کوروش بزرگ و گسترش آن توسط کمبوجیه و داریوش اول، مرزهای این امپراتوری از شرق تا رود سند در هندوستان و از غرب تا دریای مدیترانه و شمال آفریقا و از شمال تا دریاچه آرال و از جنوب تا حاشیه‌ی جنوبی خلیج فارس امتداد یافت و پارسیان را به‌طور اجتناب‌ناپذیری رودرو با یونانیان قرار داد.

حضور دولت - شهرهای یونانی در جانب غربی آسیای صغیر و سواحل مدیترانه و تحریک این دولت - شهرها توسط یونانیان در آتن و اسپارت، منجر به جنگ‌های سال‌های ۴۹۰ پیش از میلاد در زمان داریوش و ۴۸۰ در زمان خشایارشا شد. پس از آن، تا زمان اسکندر مقدونی، که به اشغال و فروپاشی امپراتوری پارسیان منجر شد، شاهد جنگ بزرگی بین پارسیان و یونانیان نیستیم. در طول دوره‌ی هخامنشیان ارتباط بین پارسیان و یونانیان ادامه پیدا کرد که این امر منجر به انعکاس این تحولات، البته به‌صورت یک‌جانبه، در نوشته‌های مورخین یونانی شد و اولین گونه‌های تاریخ‌نگاری و نگرش یونانیان نسبت به تاریخ پارسیان شکل گرفت. گزارش آن جنگ‌ها، نقش مهم امپراتوری پارسیان در دنیای قدیم، تمدن پارس‌ها و شکست این امپراتوری توسط اسکندر مقدونی، از حوادث مهمی بود که توجه بسیاری از مورخین یونانی از جمله هرودوت، گزنفون، کتزیاس، دینون، دئودوروس سی‌کلوس، پلی‌بیوس آریان، کوتاتیوس کرتیس، پلوتارک، استرابون... را به خود جلب کرد.

ادامه رویارویی‌های ایرانیان با روم در زمان پارتیان و ساسانیان نیز باعث شد که گزارش آن جنگ‌ها در نوشته‌های مورخین رومی مانند پلوتارک و آمینی مارسلن منعکس شود. به دنبال فتح بابل توسط کوروش بزرگ، وی یهودیان را آزاد کرد و به آن‌ها اجازه داد به سرزمین خود برگردند و حتی از خزانه‌ی دولت به آن‌ها کمک کرد تا خرابی‌های اورشلیم را بازسازی کنند، این امر و نیز حضور یهودیان در دربار شاهان هخامنشی، باعث شد در تورات از تعدادی از شاهان هخامنشی، خصوصاً کوروش بزرگ مستقیماً نام برده شود. در هر حال گزارش امپراتوری پارسیان و بعد پارتیان و ساسانیان توسط مورخان قدیم خصوصاً یونانی و رومی و ارجاعات مستقیم تورات به تعدادی از شاهان هخامنشی، همگی منابع و گزارش‌هایی برای مورخین و

شوش رو به فزونی نهاد.^۷ این تحولات منجر به کاوش‌های باستان‌شناسی در ایران و فراهم شدن شواهد بیشتر برای مطالعات تاریخ ایران باستان گردید.^۸ مجموعه اطلاعات پیشین از منابع یونانی و تورات و کشفیات جدید توانست اطلاعات اساسی را برای اروپاییان برای نوشتن تاریخ ایران فراهم کند و لذا برای اولین بار سرچان ملکم با استفاده و تحت تأثیر کتاب دبستان المذاهب افزکیوانی^۹ اقدام به نوشتن تاریخ کامل ایران در سال ۱۸۱۵ کرد که هنوز متأثر از نگاه یونان‌محوری Hellenocentrie بود.

در هر حال اطلاعات پیشین و بعد رمزخوانی از خط میخی فارسی باستان توسط جورج راولینسون که منجر به خوانده شدن خطوط بابلی و عیلامی و دیگر زبان‌های کهن شرق نزدیک شد، تحول مهمی را در شرق‌شناسی و خصوصاً ایران‌شناسی و تاریخ کهن ایران ایجاد کرد و منجر به چاپ کتاب پنج پادشاهی بزرگ دنیای قدیم و بعد کتاب هفت پادشاهی شرق قدیم توسط سر هنری راولینسون ۱۸۶۷ و ۱۸۸۵ شد. در این کتاب‌ها، پادشاهی‌های هخامنشیان، پارتیان و ساسانیان به‌عنوان سه سلسله از پادشاهی‌های قدیم معرفی شدند.^{۱۰} شاید بتوان گفت در این کتاب برای اولین بار منابع یونانی همراه با کشفیات باستان‌شناسی و ترجمه‌ی کتیبه‌ی بیستون، همگی در تاریخ‌نویسی ایران که تا آن زمان صرفاً متکی بر منابع یونانی و رومی بود، به‌کار گرفته شد.^{۱۱} به دنبال آن در سال ۱۹۱۵ سرپرسی سایکس نیز در گزارش مأموریت‌اش به ایران کتاب تاریخ ایران را به چاپ رساند که در آن تمرکز خاصی بر تاریخ هخامنشیان و ساسانیان کرد.^{۱۲} بدین‌گونه تاریخ‌نگاری ایران باستان توسط اروپاییان وارد مرحله‌ی جدیدی شد. هم‌زمان با این تحولات، و به‌دنبال آورده شدن اوستا توسط انکتیل دو پرون فرانسوی به اروپا و ترجمه‌ی آن به زبان‌های اروپایی بر مطالعات ایرانی

نویسندگان اروپایی فراهم کرد که از قرن پانزدهم میلادی به مطالعه تاریخ ایران باستان بپردازند. این مطالعات در ایتالیا و انگلستان خصوصاً در قرن هجدهم ادامه پیدا کرد.^{۱۳}

از طرفی آگاهی اروپاییان با تاریخ ایران باستان از طریق یونانیان و تورات از قرن پانزدهم میلادی به بعد و فراهم شدن زمینه برای مسافرت سیاحان اروپایی به ایران، به‌خصوص از دوران صفویه که روابط دیپلماتیک بین ایران و کشورهای اروپایی گسترش یافت، ایران، و به‌طور اخص سرزمین فارس (پارسه قدیم) یکی از اهداف سیاحان اروپایی شد و تعداد این مسافران از زمان صفویه به‌شدت افزایش یافت.^{۱۴} این سیاحان با توجه به دانشی که از تاریخ ایران باستان از طریق منابع یونانی و تورات داشتند، بیش‌از هر چیز به‌دنبال شناسایی مکان تخت جمشید، پایتخت شاهان هخامنشی و پاسارگاد، مقبره‌ی کورش بزرگ بودند.^{۱۵} تهیه‌ی گزارش و تصویر از آثار به‌جای مانده از دوران هخامنشیان، خصوصاً آثار تخت جمشید و پاسارگاد و همین‌طور نقاشی از خطوط میخی توسط این سیاحان به تدریج منجر به شناسایی مکان تخت جمشید به‌عنوان پایتخت هخامنشیان و پاسارگاد، به‌عنوان پایتخت و مقبره‌ی کورش بزرگ که تا آن زمان ایرانیان اطلاع زیادی درباره‌ی آن‌ها نداشتند، در قرن ۱۶ میلادی گردید.^{۱۶} به‌دنبال شناسایی این دو مکان، فصل جدیدی در مطالعات ایران و همین‌طور شرقی‌شناسی توسط پژوهشگران اروپایی آغاز شد.

در خلال قرن هجدهم و آغاز قرن نوزدهم و به دلیل رشد علائق سیاسی و اقتصادی بریتانیا به ایران و گسترش روابط سیاسی بین این دو کشور بر تعداد سیاحان باستان‌شناس بریتانیایی و بعد فرانسوی در ایران افزوده شد و با زدید از آثار و مکان‌های تاریخی ایران خصوصاً تخت جمشید، پاسارگاد و



تخت جمشید، کاخ تچر

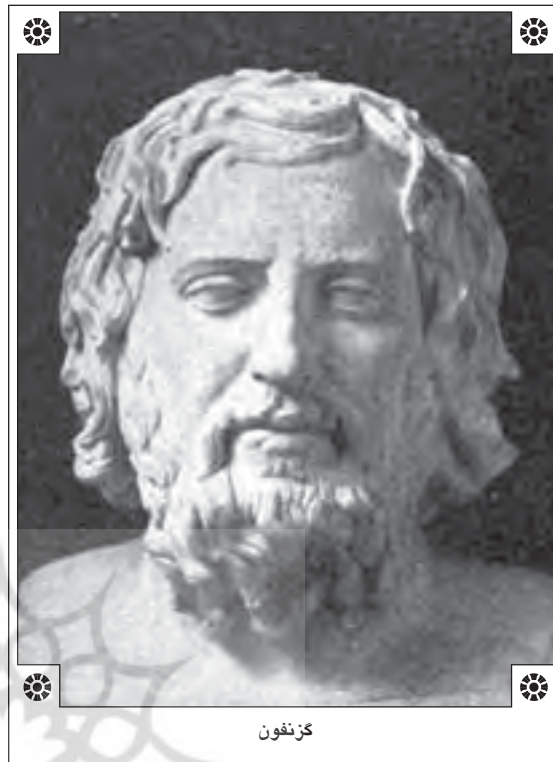
تحت نفوذ روس در شمال و انگلیس در جنوب و یک منطقه بی‌طرف در مرکز تقسیم شد که مجموعه این عوامل باعث رشد ملی‌گرایی و در نتیجه کودتای رضاخان با همکاری سیدضیاء طباطبایی در سال ۱۹۲۱ و سقوط سلسله‌ی قاجار در سال ۱۹۲۵ شد.^{۱۶}

ظهور رضاخان به عنوان یک ملی‌گرای باستان‌گرا و بی‌اعتنا به مذهب، زمینه‌ی بیشتر حضور باستان‌شناسان غربی را برای کاوش‌های بیشتر درباره‌ی آثار ایران باستان و مطالعات ایران باستان فراهم کرد. با این کاوش‌ها فصل نوینی در مطالعات و تاریخ‌نگاری ایران باستان توسط اروپاییان و امریکاییان در ایران آغاز شد. رضاشاه که وحدت ایران را با تکیه بر تاریخ کهن ایران و فرهنگ باستان امکان‌پذیر می‌دانست، همه‌گونه مطالعات ایران باستان را تشویق و در این دوره بسیاری از باستان‌شناسان و اندیشمندان غربی را به ایران دعوت کرد و بررسی آثار تاریخی خصوصاً تخت جمشید، مجدداً آغاز شد.^{۱۷}

با توجه به دیدگاه‌ها و انگیزه‌های ملی‌گرایانه رضاشاه و خواسته‌های وی، که علاوه بر مطالعات تاریخ باستان، بزرگ‌نمایی تاریخ کهن ایران را نیز تشویق می‌کرد، تاریخ‌نگاری غربی نیز به‌رغم تلاش در معرفی بی‌طرفانه و علمی واقعیت‌های تاریخی ایران کهن، اما در راستای خواسته‌ها و اهداف رضاشاه در جهت بزرگ‌نمایی و نشان دادن شکوه و عظمت ایران باستان شکل گرفت که این نگرش در دوره‌ی پهلوی دوم نیز ادامه یافت.

در کنار آثار زیادی که در این دوره توسط باستان‌شناسان و مورخین اروپایی و امریکایی در رابطه با آثار و تاریخ و تمدن ایران چاپ و منتشر شد و در آن‌ها سعی بر این بود، بخش‌هایی از عظمت و شکوه ایران باستان معرفی گردد، بسیاری از اندیشمندان ملی‌گرای ایرانی و علاقه‌مندان به تاریخ باستان نیز در بخش‌های مختلف، خصوصاً باستان‌شناسی و تاریخ ایران باستان فعال شدند که در میان آن‌ها عیسی بهنام، محمود راد، علی سامی و اکبر تجویدی به عنوان باستان‌شناس و حسن پیرنیا به عنوان مورخ از شهرت بیشتری برخوردار هستند.^{۱۸} حسن پیرنیا، که خود یکی از سیاستمداران بانفوذ دوره‌ی قاجار و از ملی‌گراهای شناخته شده بود، پس از روی کار آمدن رضاشاه سعی کرد وقت خود را صرف کارهای پژوهشی، خصوصاً تاریخ ایران باستان کند که نتیجه‌ی تلاش‌های وی نوشتن اولین تاریخ علمی با استفاده از بسیاری از منابع داخلی و خارجی تحت عنوان، تاریخ باستان ایران در سه جلد در سال ۱۳۱۲ است. این اثر سال‌های متمادی یکی از مهم‌ترین منابع برای شناخت تاریخ هخامنشیان بود. وی به‌رغم گرایش‌های ملی‌گرایانه در این کتاب سعی کرده است تصویری نسبتاً علمی و مستند از تاریخ این دوره ارائه دهد و در این کار هم بسیار موفق بود، خصوصاً که وی از طریق آشنایی با هرتسفلد و دیگر اندیشمندان غربی توانست به بسیاری از منابع یونانی دسترسی پیدا و از آن‌ها در نوشتن تاریخ خود استفاده کند.^{۱۹}

در هر حال پس از رضاشاه و در دوران پادشاهی محمدرضا پهلوی و بعد از وقفه‌ای که در پژوهش‌های تاریخ ایران باستان در دوران جنگ جهانی ایجاد شده بود، فعالیت‌های باستان‌شناسی و مطالعات ایران باستان با شدت بیشتری پی گرفته شد و ایران بار دیگر بهشت باستان‌شناسان غربی گردید.



گزنفون

و خصوصاً تاریخ و فرهنگ ایران باستان از جایگاه ویژه‌ای در مراکز آموزشی و دانشگاهی غرب برخوردار شد.

هرچند تاریخ‌نگاری ایران باستان توسط اروپاییان، به‌رغم کشفیات جدید و استفاده از داده‌های باستان‌شناسی و زبان‌شناسی، هنوز بیشتر متکی بر منابع یونانی و نگاه یونانی‌محوری یا یونان‌گرای (Hellenocentric) بود، اما بازشناسی تاریخ هخامنشی توسط اروپاییان و آشنایی بیشتر ایرانیان با تاریخ، زبان، فرهنگ، مذهب و تمدن کهن پیش‌از اسلام، خصوصاً دوره‌ی هخامنشی یک نوع باستان‌گرایی (archaism) نتیجه‌ی ملی‌گرایی را در میان ایرانیان زنده کرد.^{۲۰} در نتیجه‌ی این تحولات، توجه به تاریخ ایران باستان که در دوره قاجار آغاز شده بود، در دوره‌ی پهلوی اول و بعد دوم به اوج خود رسید و تاریخ‌نگاری ایرانیان و همین‌طور تاریخ‌نگاری اروپاییان را به شدت تحت تأثیر خود قرار داد.^{۲۱}

در این دوره بود که کتاب نامه خسروان در سه جلد و در سال‌های ۱۸۷۱، ۱۸۷۰، ۱۸۶۸ توسط جلال‌الدین میرزا قاجار و نامه‌ی باستان و آیین‌های سکندری توسط میرزا آقاخان کرمانی، دورالتیجان فی تاریخ بنی اشکان (۱۸۹۰) توسط اعتمادالسلطنه، مکتوبات کمال‌الدوله توسط میرزا فتح علی آقا آخوندزاده و آثار العجم توسط میرزا فرصت شیرازی... همگی با تأکید و توجه به تاریخ باستان برای اولین بار در این دوره توسط ایرانیان منتشر شد.^{۲۲} در دوره قاجار و در طی جنگ‌های ایران و روس، ایران بخش زیادی از سرزمین‌های خود را در قفقاز و آسیای مرکزی در قرن ۱۹ از دست داد و در آغاز قرن بیستم و در قرارداد ۱۹۰۷ روس و انگلیس، ایران به سه منطقه‌ی

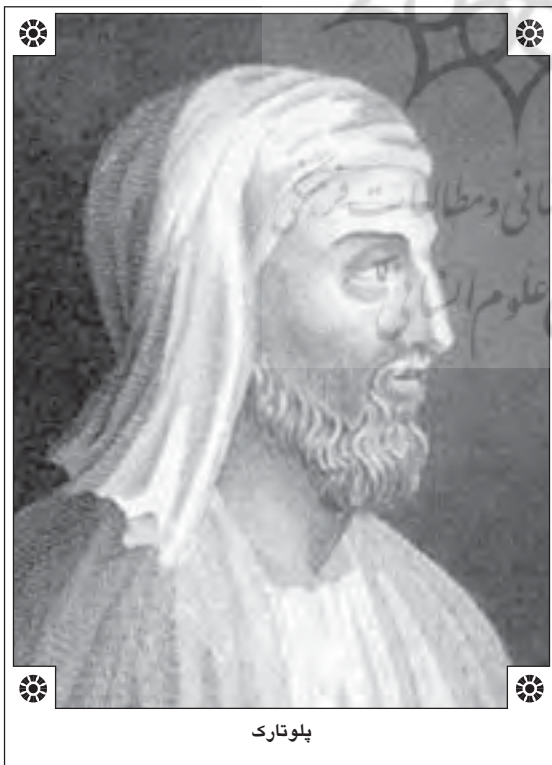
که بیشتر ایده‌های دینی را تعقیب می‌کردند، منجر به انقلاب اسلامی ۱۹۷۹ به رهبری امام خمینی (ره) شد. به دنبال این انقلاب، بسیاری از مستشرقین ایران را ترک کردند و برای مدتی پژوهش‌های ایران باستان در ایران متوقف شد و بعد از آن هم مورد تشویق قرار نگرفت. هرچند مطالعات تاریخ ایران باستان در کنار بخش‌های دیگر تاریخ ایران و به عنوان واحدهای درسی، پس از بازگشایی دانشگاه‌ها ادامه پیدا کرد، اما مطالعات ایران باستان در شکل پیشین - یعنی همانند دوره‌ی پهلوی - هرگز ادامه نیافت و مطالعات تاریخ ایران باستان پس از انقلاب اسلامی، تا زمان زیادی دچار وقفه گردید و برای سال‌های متمادی از انجام کاوش‌های باستان‌شناسی توسط غربی‌ها جلوگیری شد و هنوز هم تا حدودی ادامه دارد. اما مطالعات تاریخ ایران باستان در غرب با شدت بیشتری ادامه پیدا کرد و اندیشمندان بسیاری در غرب از جمله بسیاری از ایرانیان مقیم خارج، مشغول پژوهش در تاریخ ایران باستان شدند؛ خصوصاً که امروزه به دلیل کاوش‌هایی که در کشورهای متعدد همسایه‌ی ایران که در دوره‌ی باستان جزو قلمرو ایران بودند، مانند کشورهای آسیای مرکزی، قفقاز، ترکیه، سوریه، فلسطین، مصر و کشورهای عربی انجام شده است که منابع اطلاعاتی را برای تاریخ ایران باستان فراهم کرده‌اند. به‌علاوه به دلیل استفاده از شیوه‌های جدید تاریخ‌نگاری و به‌کارگیری رویکرد میان‌رشته‌ای مانند استفاده از دانش زبان‌شناسی، باستان‌شناسی، آشورشناسی، مصرشناسی، مطالعات دوره‌ی کلاسیک در مطالعات تاریخ ایران، روزبه‌روز بر دامنه‌ی مطالعات ایران باستان افزوده شد. نمونه‌ی بارز آن که توانست مطالعات ایرانی را در غرب زنده نگاه دارد و بعدها

محمدرضا پهلوی که مانند پدرش نسبت به مذهب بی‌اعتنا و به دنبال وحدت ایران بر محوریت ملی‌گرایی و تاریخ‌نگاری و تمدن کهن ایران بود و تلاش داشت خود را وارث شاهان پیش از اسلام معرفی کند، مطالعات ایران باستان و از جمله باستان‌گرایی را به شدت تشویق می‌کرد. به دنبال حمایت و تشویق محمدرضا پهلوی، ایران‌شناسان بسیاری در این دوره روانه‌ی ایران شدند و مطالعات ایران باستان توسط اروپاییان و آمریکایی‌ها در این دوره شدت بیشتری یافت و آثار زیادی توسط غربی‌ها و خود ایرانیان منتشر گردید. اوج این فعالیت‌ها و باستان‌گرایی رامی‌توان در جشن‌های ۲۵۰۰ ساله دید.^{۲۱} علاوه بر آثار زیادی که در این دوره، توسط اروپاییان و آمریکاییان و با حمایت حاکمیت در ایران منتشر شد، در خارج از ایران هم مطالعات ایران با حمایت‌های مستقیم و غیرمستقیم پهلوی دوم با شدت بیشتری ادامه یافت که حاصل آن چاپ و انتشار آثار زیادی از جمله دو اثر مهم: شاهنشاهی هخامنشیان، اثر اومستد در آمریکا و کتاب ایران در زمان ساسانیان توسط کریستن‌سن در اروپا بود. در اواخر دهه‌ی چهارم قرن بیستم بود که نویسندگان هر دو اثر تا حد بسیار زیادی از نگاه یونانی‌محوری و بزرگ‌نمایی تاریخ ایران باستان فاصله گرفتند.^{۲۲}

البته در کنار مطالعات ایران باستان، تاریخ دوره‌ی اسلامی خصوصاً معماری ایران اسلامی و هنر و معماری ایرانی و اسلامی توسط افرادی چون پرفسور پوپ دنبال می‌شد که در مقایسه با دوره‌ی ایران باستان، تعداد آن‌ها محدود است.^{۲۳} در این دوره کنگره‌های بین‌المللی مطالعات ایرانی سالانه و با حضور گسترده‌ی اندیشمندان بزرگ از سراسر دنیا، برگزار شد. نتیجه‌ی این کنگره‌ها در پنج مجلد به چاپ رسیده است.

به دنبال بازشناسی تاریخ هخامنشی در قرن نوزدهم میلادی که هم‌زمان با تحولات سریع سیاسی در ایران دوره‌ی قاجار، خصوصاً از دست رفتن سرزمین‌های ایران طی جنگ‌های ایران و روس و آشنایی ایران با پیشرفت‌های علمی در غرب بود، گرایش‌های ملی و باستان‌گرایی در میدان اندیشمندان و روشنفکران ایرانی و حتی در میان رجال دوره‌ی قاجار پدیدار شد و با روی کار آمدن خاندان پهلوی، شدت بیشتری گرفت و مطالعات ایران باستان از جانب آن‌ها مورد حمایت و تشویق قرار گرفت؛ به طوری که به تدریج به سوی گونه‌ای افراط‌گرایی نسبت به تاریخ و فرهنگ ایران باستان گام برداشته شد و بسیاری از پژوهشگران غربی نیز تحت تأثیر این تاریخ‌نگاری قرار گرفتند. در عین حال، با توجه به داده‌های جدید و اطلاعات فراهم شده از کاوش‌های باستان‌شناسی و ترجمه‌ی خطوط قدیم، تاریخ ایران باستان به تدریج از یونان‌گرایی محض رهایی یافت. به دیگر سخن، تاریخ‌نگاری غربی‌ها که در رابطه با ایران باستان، بیشتر یک‌سویه و مبتنی بر محوریت یونانی‌گری بود، به تدریج از آن فاصله گرفت و در مقابل، به دلیل سیاست‌های حاکم بر دوره‌ی پهلوی که تأکید زیادی بر شکوه و شهرت ایران باستان داشتند و به دلیل یافته‌های جدید بیشتر علمی، همراه با گونه‌ای بزرگ‌نمایی و تمجید و تحسین از تمدن کهن ایران شد.

سیاست‌های افراطی گرایانه باستان‌گرایی در دوره‌ی پهلوی اول و دوم و بی‌تفاوتی و بی‌توجهی به فرهنگ و خواسته‌های بخش دیگری از جامعه،



پلوتارک



تخت جمشید، کاخ آپادانا

باستانی فراوان از سرزمین‌های تحت سلطه‌ی ایرانیان در پیش از اسلام که در بعضی دوره‌ها تقریباً شامل تمامی سرزمین‌های آسیای غربی و شمال آفریقا می‌شد، باعث گردید که تاریخ‌نگاری ایران توسط غربی‌ها به تدریج از شیوه‌ی پیشین یعنی یونانی‌گرایی فاصله بگیرد.

علاوه بر آن، در این فاصله، پایان‌نامه‌های بسیاری (حدود ۶۰ پایان‌نامه) در دانشگاه‌های متعدد خارج از کشور فقط در رابطه با تاریخ هخامنشی نوشته شد که تعدادی از آن‌ها توسط نسل جدید تاریخ‌نگاران و باستان‌شناسان ایرانی نگاشته شده است. با ظهور نسل جدیدی از ایران‌شناسان ایرانی و خارجی مطالعات ایران باستان، هم‌چنان رو به گسترش است. برخلاف دوره‌ی پیش از انقلاب اسلامی که مطالعات ایران باستان در ابتدا صرفاً بر منابع یونانی و رومی استوار بود و اغلب نگاهی یک‌جانبه و تحقیرآمیز نسبت به فرهنگ و تمدن ایران کهن داشت (Hellenocentric) و یا در دوره‌ی پهلوی که با حمایت دولت یک نوع باستان‌گرایی افراطی در آثار مستشرقین نسبت به تاریخ ایران باستان مشاهده می‌شود، در سال‌های پس از انقلاب اسلامی، خصوصاً پس از کاوش‌های بسیار در سرزمین‌های خارج از محدوده‌ی ایران امروز که در گذشته جزو قلمرو ایران بوده‌اند، و همین‌طور با استفاده از دانش زبان‌شناسی و زبان‌های کهن که زبان بخشی از قلمرو امپراتوری هخامنشیان و ساسانیان بودند و عدم وجود انگیزه‌های سیاسی، باعث شد که در آثار جدید کمتر شاهد یونانی‌گری صرف یا نگاه افراط‌گرایانه به شکوه و جلال ایران باستان باشیم. بلکه آثار نسبتاً علمی و بدون حب و بغض بیشتر شد. آثاری که به دنبال معرفی فرهنگ و تمدن ایران کهن به عنوان یکی از تمدن‌های مهم و تأثیرگذار در تمدن بشری هستند.

سرمشقی برای بسیاری از پژوهشگران کشورهای دیگر، خصوصاً فرانسه، انگلستان و دیگر کشورها گردد، مجموعه‌ی تاریخ هخامنشیان (کارگاه هخامنشی) بود که از سال ۱۹۸۳ به همت هلن سانسیسی وردنبورخ (از هلند) شکل گرفت و بعد با پیوستن املی کورت (از لندن) و مارگرت روت (از آمریکا) تا سال ۱۹۹۰ ادامه پیدا کرد و مجموعه مقالات آن در هشت مجلد به چاپ رسید^{۳۴}. برگزاری مجموعه کنفرانس‌های تخصصی و سمینارهای متعدد و پیوسته بعدی که به تأثیر از مجموعه‌ی تاریخ هخامنشی در کشورهای مختلف بر گزار گردید، باعث شد موضوعات مختلف مرتبط با ایران باستان مانند باستان‌شناسی، تاریخ، هنر، مذهب، سکه‌شناسی ایران باستان مورد بررسی قرار گیرد. از ویژگی‌های این مجموعه کنفرانس‌های بعدی استفاده از شیوه‌های میان‌رشته‌ای و ساختارگرایانه در مطالعات گذشته بود که منجر به گسترش بیشتر شناخت تاریخ ایران کهن شد. به عنوان مثال با توجه به رویکرد جدید به مطالعات تاریخ و استفاده از رویکرد میان‌رشته‌ای فقط در فاصله سال‌های ۱۹۹۵ الی ۲۰۰۰ بیش از ۱۲۵۰ عنوان کتاب و مقاله فقط در رابطه با تاریخ هخامنشیان در غرب چاپ و منتشر شد.^{۳۵}

از طرف دیگر، پس از انقلاب اسلامی و خروج بسیاری از مستشرقین و باستان‌شناسان از ایران، این افراد ابتدا با استفاده از یافته‌های پیشین خود از ایران، شروع به نوشتن تاریخ ایران، خصوصاً تاریخ ایران باستان کردند که از آثار منتشر شده در این دوره می‌توان از امپراتوری پارسین، نوشته‌ی کوک در سال ۱۹۸۳، و تاریخ باستانی ایران، نوشته‌ی ریچارد فرای در سال ۱۹۸۴ و چاپ مجموعه‌ی تاریخ ایران کمبریج نام برد. البته کتاب کوک برخلاف کتاب فرای یا مجموعه‌ی تاریخ ایران کمبریج، که تاحدودی از یونانی‌محوری فاصله گرفته بودند، هنوز به شدت تحت تأثیر یونانی‌گری و آثار یونانیان بود؛ اما با توجه به تحول تاریخ‌نگاری جدید و کشف آثار

پی‌نوشت

- European visitor to the site « In chr. Tuplin (ed.), *Persian Response political and cultural Interaction with(in) Achaemind Empire* 343- 356.
- و هم چنین نگاه کنید به:
- Stronach, D. 1978, *Pasargadade: A Report on the Excavation conducted by the British Institute of Persian studies from 1961 to 1963*, oxford: 24-26.
۶. لازم به توضیح است که ایرانیان از طریق متون تاریخی خصوصاً ترجمه‌های عربی خداینامه دوران ساسانی و همینطور نوشته‌های پهلوی و فارسی از تاریخ ساسانیان آگاه بودند، ولیکن در مورد تاریخ هخامنشیان و آثار بجای مانده از این دوره اطلاع نداشتند چنان‌که آثار تخت جمشید، پایتخت هخامنشیان را به جمشید پیشدادی و مقبره کوروش را به مقبره مادر سلیمان نسبت می‌داند. نگاه کنید به:
- Sarkhosh curtis, V., 2005, «The legacy of Ancient Persia» in John Curtis and Nigel Tallis (eds.), *Forgotten Empire: The world of Ancient Persia*: 254
۷. برای اطلاع از سیاحتان باستان شناسی و اقدامات باستانشناسی که توسط هیئت‌های انگلیسی و فرانسوی در ایران انجام شد نگاه کنید به:
- Abdi, k. 2001 , «Nationalism , politics , and the development of Archaeology in Iran , American Journal of Archaeology, vol. 150 , No 01: 53 I Larsen. M.T., 1996 , the conquest of Assyria, London Simpson, 2007 , p 357 ; Allen , 2007 , pp. 316-318.
۸. جهت اطلاع از اقدامات انجام شده توسط باستانشناسان اروپایی در این زمان نگاه کنید به:
- Abdi , 20001 , p. 54.
- و مقایسه کنید با موسیوف علی، ۱۹۹۰، «باستان‌شناسی در پنج سال گذشته» مجله میراث فرهنگی، شماره ۲، ص ۱۷-۶.
۹. نعمتی، بهزاد، ۱۳۸۸، بررسی باستان‌گرایی در تاریخ‌نگاری در قاجار، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، گروه آموزشی ایران‌شناسی، دانشگاه شهید بهشتی، ص ۳۰
۱۰. نگاه کنید به:
- Rawelinson. G. 1871, *The Five Great Monarchies of the Ancient world*, London.
- Rawelinson G. 1885, *The seven Great Monarchies of the Ancient world*, London.
- مقایسه کنید با
- Abdi, 2001 , p.53 j
- عبدی، کامیار، ۱۹۹۲ «معرفی مجموعه‌ی تاریخ هخامنشی دانشگاه گرونیکن، مجله باستان‌شناسی و تاریخ ایران جلد ۶ شماره ۱ و ۲ ص ۳۸
- 11 . Sancisi – Weerdenburg, 1987, «The Fifth Oriental Monarchy and Helenocentrism»
- H. Sancisi – Weerdenburg (ed.), *Achaemenid History I: Sources, structures, synthesis*, Leiden: 128
- 12 . Sykes, leiu – col, p.m., 1915, *History of Persia*, London
- برای اطلاع از بسیاری دیگر از کتاب‌هایی که توسط این سیاحتان نوشته شد نگاه کنید به سایت:
- www. Achaemenet.com
۱۳. همان‌طور که توسط جان برتولی اشاره شده است ملی‌گرایی برخاسته از نوعی هویت ملی یا کوشش برای چنین هویتی است. بازشناسی تاریخ هخامنشی در قرن نوزدهم در واقع
۱. جهت اطلاع از گزارش مورخین فوق‌الذکر نگاه کنید به:
- Dreus, R. 1973, *The Greek Account of Eastern History*, Harvard, Cambridge and Masachosset.
- 2 . Yamauchi, E. M. 1990, *Persia and the Bible*, Grand Rapids
- برای انعکاس شاهان هخامنشی در کتاب تورات نیز نگاه کنید به:
- Achroyd, Peter R. ۱۹۹۰, «The Biblical Portrayal of Achaemenid Rulers», in H. Sancisi–weerdenburg, J. W. Drijvers (eds), *Achaemenid History V: The Roots of the European Tradition*, Leiden: ۱-۱۷.
۳. آن‌گونه که ترنر اشاره می‌کند، به‌نظر می‌رسد این توجه به تاریخ پارسیان خصوصاً در دوران پادشاهی کوروش بزرگ، تحت نفوذ تحولات سیاسی در اروپا و به‌دنبال انقلاب آمریکا و حرکت‌های افراطی برای اصلاحات در اروپا بود. در این کشورها، به‌خصوص انگلستان، به‌دنبال تجربیات حکومت‌داری در یونان باستان (آتن) و شیوه‌ی کشورداری کوروش بزرگ آن‌گونه که در کورش‌نامه گزنفون و در تورات آمده است بودند. نگاه کنید به:
- Turner W., 1981, *The Greek Heritage in Victorian Britain*, New Haven: 192
- همچنین برای مطالعه‌ی تاریخ پارسیان، خصوصاً تاریخ کوروش بزرگ توسط اندیشمندان ایتالیایی نگاه کنید به:
- Sancisi-Weerdenburg, 1987, «Cyrus in Italy: From Dante to Machiavelli: Some Exploration of the Reception of Xenophone's Cyropaedia», in *Achaemenid History V: The Roots of the European tradition*, Leiden: 31-53.
- و برای مطالعه‌ی تاریخ ایران باستان خصوصاً زندگی کوروش در انگلستان نگاه کنید به:
- Brasius, M. 1990, «Two view of Persian History in Eighteenth Century England», in *Achaemenid History V: The Roots of the European Tradition*, Leiden: 79-91.
- هم چنین مقایسه کنید با:
- Tuplin, C. 1990, «Persian Décor in Cyropedia: Some Observations», in *Achaemenid History V: The Roots of the European Tradition*, Leiden: 17-31.
۴. برای آگاهی از اوضاع سیاسی و اقتصادی از افزایش تعداد مسافران در دوره‌ی صفویه نگاه کنید به:
- Mathee R. P. 1999, *The Politics of Trade in Safavid Iran: Silk For Silver, 1600-1730*. Cambridge; Allen, L. 2007, «Chilminar Olim Persepolis: European reception of Persian Ruin» in Chr. Tuplin (ed.), *Persian Response: Political and cultural Interaction with(in) Achaemenid Empire*. The Classical Press of Wales: 313-342.
۵. مسافرت این سیاحتان اروپایی به ایران و شناسایی تخت جمشید و پاسارگاد و فرهنگ کهن ایران و شرق نزدیک از قرن ۱۶ به بعد داستان آشنایی است که میتوان آن تحولات را در مجموعه تاریخ هخامنشی، جلد هفتم تحت عنوان
- Sancisi – Weerdeburg, H. and, w Drijvers (ed.), 1991, *Achaemenid History VII: Through Travellev's Eyes*, Leiden.
- هم چنین مقایسه کنید با:
- Allen. L., 2007 : 313 – 342j
- Simpson. J. ST. 2007, «Pottering Around Persepolis? Observation On fairly

زمینه چنین هویتی را برای ایرانیان فراهم کرد. نگاه کنید به:

Breuilly, y., 1985, *Nationalism and state*. First edition, the university of Manchester, Manchester: p.1

۱۴. برای آشنایی با باستان گرایی در دوره قاجار و توجه ویژه روشنفکران و بعضی از مورخین ملی‌گرا به تاریخ ایران باستان نگاه کنید به:

Keddie, N.R. 1999, *Qajar Iran and the Rise of Reza Khan (1797- 1825)*, including, theatrical Buildings and performance in Tehran, Mazda publisher: 83

همچنین مقایسه کنید با:

آدمیت، فریدون، ۱۳۴۹، اندیشه‌های میرزا فتح علی آخوندزاده انتشارات خوارزمی، تهران ص ۱۲۶-۱۲۰؛ آدمیت، فریدون، ۱۳۵۷، اندیشه‌های میرزا آقاخان کرمانی، انتشارات طهوری، تهران ۲۱۱-۱۴۹؛ بیگدلو، رضا، ۲۰۰۱، باستان گرایی در تاریخ معاصر ایران، نشر مرکزی، تهران، ص ۶۸-۴۰؛ نعمتی، بهزاد، ۱۳۸۸، ص ۹۵-۵۵

در این دوره شاهان قاجار علاقه ویژه‌ای به تاریخ ایران باستان نشان میدهند چنان‌که آقا محمدخان و فتحعلی شاه از خواندن شاهنامه لذت می‌برند و سعی می‌کردند خود را همسان با قهرمانان شاهنامه بدانند ناصرالدین شاه خود را دارای شکوه جمشید و خسرو انوشیروان میدانست. نگاه کنید به:

Sarkhosh (curtis), 2005: 254 – 255

Amanat, A., 1997, *Pivot of the universe: Nasir-al-din Shan and the Iranian Monarchy*, university of California, Berkeley p.7-10

۱۵. نگاه کنید به

نعمتی، ۱۳۸۸، ص ۹۵-۵۵؛ بیگدلو، ۲۰۰۱، ص ۶۸-۵۲.

متولی حقیقی، یوسف، ۱۳۸۱، وزیر تاریخ‌نگار: پژوهش پیرامون زندگی، کارها و روش تاریخ‌نگاری محمدحسن خان اعتمادالسلطنه، مشهد. و برای اطلاع از تاریخ‌نگاری دوره قاجار نگاه کنید به:

Amanat, A, 2004, «Historiography – VIII: Qajar period, *Encyclopedia of Iranica*, Vol. 12.

16. Abdi, 2001, PP. 55-56.

۱۷. هر تسلفد از جمله باستان‌شناسانی بود که علاوه بر کار بر روی تخت جمشید، کاوش‌هایی را نیز در پاسارگاد آغاز کرد. وی حتی پایان‌نامه خود را پیرامون پاسارگاد تحریر کرد.

نگاه کنید به:

Abdi, 2001, P. 600

به‌دنبال آن اشمیت نیز کاوش‌های مجددی را در تخت جمشید انجام داد که نتیجه آن کاوش‌ها در سه جلد بعدها توسط مؤسسه شرقی دانشگاه شیکاگو به چاپ رسید.

نگاه کنید به :

Schmidt, E. F. 1953, *Persepolis I: Structure, Reliefs, Inscription* (OIP 68), University of Chicago.

Schmidt, E.F, 1957, *Persepolis II: Contents of Treasury and other Discoveries*, (OIP 69), University of Chicago

Schmidt, E. F, 1970, *Persepolis III: The Royal Tombs and other Monuments*, (OIP 60). University of Chicago

18. Abdi, 2001, P. 56.

۱۹. علی سامی، سعید نفیسی و بعدها مرحوم جواد مشکور هر یک آثار متعددی در معرفی

تاریخ باستان ایران منتشر کردند ولیکن آثار آن‌ها هرگز نتوانست جایگاهی را که تاریخ ایران باستان حسن پیرنیا در محافل علمی کسب کرد، به‌دست آورند. پیرنیا همچنین توانست به‌رغم استفاده از منابع یونانی و غربی، از آن نگرش یونانیگری و همچنین بزرگنمایی تاریخ ایران باستان فاصله بگیرد.

20. Abdi, 2001, P. 66; Young, T.C, 1986, «Archaeology» *Encyclopedia*

Iranica, vol. 2, pp: 281-8

همچنین در این دوره است که مؤسسه بریتانیایی مطالعات ایرانی در سال ۱۹۶۱ تشکیل شد و پرفسور استروناخ تحت حمایت این مؤسسه در طی سه فصل کاوش در پاسارگاد بررسی جامعی را بر روی اولین پایتخت پارسیان انجام داد که حاصل آن چاپ کتاب پاسارگاد در سال ۱۹۷۸ است و در همین دوره گریشمن کار بر روی آثار شوش و چغازنبیل را پی گرفت و لوپس ورنبرگ در فارس به کاوش‌های متعددی دست زد و افرادی چون دونالد مکان از مؤسسه‌ی شرقی دانشگاه شیکاگو و رابرت دایسون از دانشگاه پنسیلوانیا هر یک در بخش‌های مختلف ایران به کاوش پرداختند و هم چنین مؤسسه‌ی آسیایی در شیراز تأسیس شد که افرادی چون ریچارد فرای از مدرسین آن بودند.

21. Abdi, 2001, p... 67

۲۲. در این دوره کتاب‌های زیادی در خارج ایران خصوصاً توسط اندیشمندان اتحاد جماهیر شوروی چون دیاکونف، داندامایف و دیگران منتشر شد که در این‌جا از معرفی آن‌ها خوداری می‌گرد.

۲۳. پروفیسور آرتور پوپ را شاید بتوان یکی از با نفوذترین متخصصین در هنر معماری ایران دانست که در زمان رضا شاه پهلوی به ایران آمد و بعد در زمان محمدرضا شاه پهلوی مؤسسه آسیایی را در شیراز که در ارتباط با مؤسسه هنر و باستانشناسی ایران در نیویورک بود بنیاد نهاد. جهت اطلاع از فعالیت‌های پرفسور پوپ نگاه کنید به یادداشت‌های شماره ۶۶ مقاله:

Abdi, ۲۰۰۱, p.۶۱

۲۴. برای آگاهی از مجموعه‌ی تاریخ هخامنشی که علاوه بر هشت جلد اول مجموعه مقالات کارگاه تاریخ هخامنشی، تا کنون ۶ جلد دیگر را نیز تحت عنوان‌های مشابه و به صورت کتاب‌های مستقل یا بصورت مجموعه مقالات در رابطه با تاریخ هخامنشیان تالیف شده اند، یعنی مجموعه ۱۴ جلدی آن نگاه کنید به:

<http://www.nino-leiden.nl/publicationslist>

خوش‌بختانه اخیراً ۵ جلد از این مجموعه توسط آقای ثاقب فر ترجمه و توسط انتشارات طوس چاپ شده است.

۲۵. نگاه کنید به :

Briant, p. 1997, *Bulletin d'histoire achéménids* (BHACHII) Toppi, supp. I; 5-127.

Briant, P. 2001, *Bulletin d'histoire achéménids* (BHACH II, 1997 – 2000),

College de France, Paris

Weber und Wieshofer, 1996, *Das Reich der Achamaiden: Eins Bibliographis*, Berlin.

هم‌چنین نگاه کنید به کتابشناسی کتاب:

Kuhr, A, 2007, *The Persian Empire: A corpus of sources from the Achaemenid period*, London, New York

و کتابشناسی کتاب

Briant, P. 2002, *From Cyrus to Alexander: A History of the Persian Empire*, translated by peter, T. Daniel, Winonaealake Indians.